

شروط حل اختلاف چند مرحله‌ای در قراردادهای تجاری با تاکید بر رویه قضایی کشورهای اروپایی و دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی

میثم امانت کار^۱

علیرضا انتظاری نجف آبادی^{۲*}

محمد رضا معین فرد^۳

چکیده

بکارگیری شروط حل اختلاف چند مرحله‌ای در قراردادهای تجاری بسیار متداول است. در این شروط مراحل مختلف شیوه‌های جایگزین حل اختلاف با داوری یا دادرسی قضایی ترکیب می‌شوند. توافق یا رای حاصل از مراحل پیش از داوری یا دادرسی قضایی نظیر نظریه کارشناس یا فرد میانجی غالباً برای طرفین الزام‌آور نیست. با توجه به همین ویژگی مهمترین سوالی که مطرح می‌گردد این است که آیا تحمل همه مراحل مندرج در این شروط برای طرفین الزامی می‌باشد یا خیر؟ و برای الزامی شدن مراحل پیش از داوری یا دادرسی قضایی وجود چه شرایطی لازم است؟ در این پژوهش دو نظر متفاوت در این زمینه تشریح و دلایل هر کدام از این نظرات مورد بررسی قرار می‌گیرند. با تطبیق رویه اتاق بازرگانی بین‌المللی، دادگاههای انگلستان و سایر کشورها شرایط لازم جهت اجباری تلقی شدن مراحل پیش از داوری یا دادرسی قضایی روشن می‌گردد. یافته‌ها حاکی از آن است که در صورت وجود شرایط لازم شامل الفاظ الزام‌آور، تبیین دقیق هر یک از مراحل و وجود حسن نیت در طرفین مراجع قضایی و داوری طی مراحل مندرج در شرط را به ترتیب مورد توافق طرفین الزامی می‌دانند. به عقیده نگارندگان همین نظر مطابق با اصل آزادی قراردادها و صحیح می‌باشد.

کلیدواژگان: قرارداد تجاری، حل اختلاف تجاری، دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایر -

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

مقدمه

اندراج شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای در قراردادها به ویژه قراردادهای طولانی مدت شیوع بسیار دارد. به طوری که کمتر شرط حل اختلافی می‌توان یافت که دستکم شامل دو مرحله جدت حل اختلاف نباشد. تعداد مراحل تابع توافق طرفین به اقتضای شرایط حاکم بر قرارداد می‌باشد. این شروط در ندایت به داوری یا دادرسی قضایی ختم می‌شوند که تصمیم متخذه از سوی آن‌ها لازم الاجرا می‌باشد، لیکن تصمیمات و توافقات حاصل از مراحل قبل از داوری یا دادرسی مثل مذاکره و میانجیگری این ویژگی را ندارد. به همین جدت گاهی یکی از طرفین مراحل قبل از داوری یا دادرسی قضایی را طی نمی‌کند و مستقیم اختلاف را به داور یا دادگاه ارجاع می‌نماید. مثلاً اگر شرطی حاوی مراحل مذاکره، میانجی‌گری و داوری باشد، آیا یکی از طرفین می‌تواند بدون انجام مذاکره و میانجیگری به داور رجوع نماید؟ نتیجه نادیده گرفتن مراحل پی از داوری چه خواهد بود؟ آیا طرفین ملزم به طی مراحل پی از رجوع به داوری یا دادگاه می‌باشند یا با عنایت به اینکه اجرای مراحل اولیه بدون رضایت طرفین بیشتر خواهد بود و رجوع به مراجع قضایی حق هر شخصی می‌باشد (اصل ۳۴ قانون اساسی ایران) و مقررات ناظر بر آیین رسیدگی و تشکیلات قضایی از قواعد آمره می‌باشند؛ لذا مراحل مورد اشاره جنبه اختیاری دارند و طرفین می‌توانند با نادیده گرفتن آن‌ها اختلاف خود را به داوری ارجاع دهند. قابلیت الزام و اجبار این شروط مشروط به وجود شرایطی در آن‌ها می‌باشد. شناخت این شرایط و اعمال آن‌ها در تنظیم شرط حل اختلاف اهمیت به سزایی دارد که این پژوه در پی تبیین آن‌ها و پاسو به پرس‌های مطروحه می‌باشد. جدت حفظ جنبه کاربردی پژوه، رویه مراجع قضایی و دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز منعکس خواهد شد. لذا، هدف از این پژوهش بیان و بررسی تطبیقی شروط حل اختلاف چند مرحله‌ای در قراردادهای تجاری بود.

گفتار اول: قرارداد تجاری بین‌المللی

اگرچه قراردادهای تجاری بین‌المللی مانند قراردادهای داخلی از «توافق اراده» سرچشمه می‌گیرد، اما این سؤال مطرح می‌شود که چه عنصری قراردادهای بین‌المللی را از قراردادهای داخلی متمایز می‌کند؟ از آنجایی که موضوع بحث ما در مورد قراردادهای تجاری بین‌المللی است و شامل هر قرارداد بین‌المللی نمی‌شود، بنابراین برای تشخیص اینکه کدام قرارداد بین‌المللی تجاری است و کدام غیر تجاری، لازم است ابتدا مفهوم قرارداد تجاری را تعریف کنیم. بدین منظور ضمن معرفی نظامی مهربان و شخصی در حقوق تجارت، مفهوم تجاری بودن قرارداد از این جهت در اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: نظام شخصی

در این سیستم عامل یا طرفین قرارداد در نظر گرفته می‌شود. بدین معنا که اگر عامل فعل یا طرفین عقد تاجر باشند، عمل یا عقد مزبور تجاری محسوب می‌شود و آثار و احکام خاص تجاری بر آن‌ها جاری است.

این نظام‌های حقوقی از نظام شخصی پیروی می‌کنند و نظام‌های حقوقی دیگری نیز وجود دارند که به طور تلفیقی «عمل می‌کنند»^۱ یعنی هم به ماهیت عمل و هم به عامل توجه دارند میتوان نظام مورد اتباع قانون تجارت ایران را با توجه به مواد ۲ و ۳ و ۵ قانون مزبور از این دسته دانست.

بند دوم: نظام نوعی یا موضوعی

۱. جنیدی، لعیا، (۱۳۷۹) قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ اول، ص ۲

در این سیستم برای تعیین تجاری بودن یک قرارداد یا به طور کلی یک عمل از معیاری خاص و ذهنی استفاده می‌کنند. یعنی ماهیت فعل یا ماهیت تعهد ناشی از عقد را در نظر می‌گیرند. آن‌ها بدون توجه به اینکه عامل آن‌ها کیست، آثار و احکام خاصی را بر این عقود یا اعمال اعمال می‌کنند. مشخص است که این دسته از نظام‌های حقوقی از مکتب موضوعی پیروی می‌کنند. در اسناد بین‌المللی مانند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصول حقوق قراردادهای اروپایی و همچنین کنوانسیون وین، مقرراتی در خصوص مفهوم «تجاری بودن» قرارداد پیش‌بینی نشده است. به گفته پروفیسور هانولد، «تجاری بودن» ویژگی قابل توجهی در تعیین قابل اجرا بودن کنوانسیون در قرارداد نیست.

گفتار دوم: حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی

عرف تجارت بین‌الملل را می‌توان مجموعه رفتارهایی دانست که با فعالیت‌های فعالان روابط تجاری شکل می‌گیرد و به‌طور گسترده توسط آنان اعمال می‌شود. بنابراین باید بین عرف تجاری بین‌المللی و اصول کلی حقوقی تفاوت قائل شد، زیرا اصول کلی حقوقی نوعی قواعد ماهوی است که ریشه در قوانین ملی کشورها دارد در حالیکه عرف تجاری ریشه در عملکرد تجار داشته و نوعی قواعد تکمیلی محسوب می‌شوند.^۱ در برخی موارد، طرفین ممکن است در قرارداد خود تصریح کنند که تعهدات آن‌ها مشمول عرف تجارت بین‌المللی خواهد بود. چنین توضیحی مهم به نظر می‌رسد زیرا طرفین قرارداد اساساً ملزم به پیروی از عرف تجاری هستند و چنین عرف تا زمانی که با قواعد الزامی قانون داوری در تضاد نباشد برای آن‌ها الزامی است. بنابراین می‌توان چنین فرض کرد که طرفین قرارداد فقط می‌خواهند عرف تجاری را بدون اعمال هیچ قانون ملی اعمال کنند. همچنین ممکن است قصد طرفین از انتخاب عرف تجاری، اعمال اصول کلی حقوقی بوده باشد.

در موارد بسیار معدودی گفته شده که می‌توان اصول را زمانیکه طرفین، قرارداد خود را تنها تابع عرف تجاری بین‌المللی دانسته باشند اعماب نمود. بنابراین بر طبق این دیدگاه اصول منعکس کننده عرف تجاری بین‌المللی نیز می‌باشد.^۲

اما چنان که برخی از فقها و آرای داوری به درستی اشاره کرده اند، مجموعه مواد اصول را نمی‌توان بیانگر عرف تجاری دانست، هر چند ممکن است «برخی» از مواد اصول چنین عرف را منعکس کند. بنابراین دادگاه داوری در این گونه موارد باید مواد اصول را جداگانه بررسی کند و در صورتی که مواد مذکور را از عرف تجاری بدانند، اعمال کند.

امروزه قراردادهای به عنوان ارائه نظام‌های حقوقی در سطح بین‌الملل از حصار باریک مرزهای سرزمینی خارج شده و به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی با جهان خارج مورد توجه حقوق دانان قرار می‌گیرد. به طوری که اگر در روابط حقوقی مشمول حقوق خصوصی مانند روابط خانوادگی ناشی از ازدواج یا وصیت و غیره، تعیین قانون حاکم بر این روابط بسیار حائز اهمیت است، بدون شک تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجاری به دلیل نقش اساسی آن‌ها در سرمایه. انتقال از اهمیت ویژه و غیر قابل انکاری برخوردار است.

بند اول: قراردادهای تجاری بین‌المللی

بسیاری از اختلافاتی که از طریق داوری بین‌المللی حل و فصل می‌شوند، ناشی از قراردادهای منعقد شده در عرصه بین‌المللی است. قراردادهای بین‌المللی در معنای عام بر حسب اعتبار طرفین خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: اول قراردادهایی که بین اشخاص خصوصی با اتباع

^۱ نیکبخت، غلامرضا- پیری، فرهاد، شناسایی و یا انکار اصل حاکمیت اراده در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، مجله حقوقی و امور بین‌الملل، زمستان ۱۳۸۱، ص ۲۹

^۲ شهیدی، مهدی، قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی خصوصی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۹-۲۰، سال ۱۳۷۶، ص ۱۷۴.

کشورهای مختلف منعقد می‌شود. تعریف بین‌المللی برای این دسته از قراردادها که به قراردادهای "تجاری" معروف است به این دلیل است که طرفین قرارداد اتباع یک کشور واحد نیستند. دوم، قراردادهایی که بین دولت‌ها منعقد می‌شود و به «معاهدات» معروف است. همچنین قراردادهایی که بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌شود از جمله این قراردادها می‌باشد که مشمول نظام عمومی حقوق بین‌الملل می‌باشد. سوم، قراردادهایی که بین دولتها و اشخاص خصوصی از اتباع دیگر کشورها منعقد می‌شود که به قراردادهای توسعه اقتصادی معروف است.^۱

دولت‌ها در روابط خود با افراد خصوصی می‌خواهند قوانین خودشان حاکم باشد، در حالی که افراد خصوصی معمولاً نگرانی خود را از بی‌ثباتی و ناکافی بودن قوانین داخلی این کشورها و احتمال نفوذ دولت ابراز می‌کنند و خواهان اقدامات قانونی غیر از قانون هستند. از طرف دولت با توجه به این تفاوت، مبنای آن است که قواعد و اصول تعیین حقوق مربوط به ماهیت اختلاف در داوری بین‌المللی سه جنبه متفاوت است.^۲

بند دوم: مفهوم قانون ماهوی حاکم

اصطلاح «قانون ماهوی حاکم بر قرارداد» یا همان «قانون حاکم بر ماهیت اختلاف» در تمایز با قوانین شکلی حاکم بر قراردادها بکار می‌رود. در داوری‌های بین‌المللی علاوه بر مسئله تعیین قانون ماهوی حاکم بر اختلاف، موضوعات مهم دیگری مثل تعیین قانون حاکم بر قرارداد داوری، شرایط داور یا داوران، قانون حاکم بر تشریفات داوری و آئین رسیدگی نیز از موضوعات مورد توجه می‌باشد. در کنار این موضوعات، موضوع دیگری که علیرغم اهمیت آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مسئله تعیین «قانون مبنا» یا «نظام حقوقی پایه» یا همان قانونی است که توافق طرفین در انتخاب قانون حلگم اثر الزامی خود را از آن می‌گیرد...^۳

بند سوم: مشکل تعیین قانون ماهوی حاکم

در حالی که قانون محل انعقاد قرارداد بر قرارداد داوری حاکم است، قانون محل داوری و قانون محل تشریفات و آیین دادرسی حاکم است، اما پاسخ به سوال تعیین قانون ماهوی نیست. خیلی ساده. دشوارترین بخش تعیین قانون حاکم، موضوع قابل اجرا بودن ماهوی در داوری‌های بین‌المللی است. تقسیم نظرات و عقاید در این باره بسیار مشهود است. اما از لحاظ نظری پذیرفته شده است که داور ابتدا باید به اراده طرفین توجه کند و سپس در صورتی که طرفین قانون را تعیین نکرده اند، قانون مناسب را با توجه به اصول و قواعد حقوقی انتخاب کند. بنابراین، قانون ماهوی حاکم بر قرارداد منشأ اختلاف توسط مرجع دارو تعیین می‌شود.^۴

بند چهارم: انتخاب قانون حاکم توسط طرفین

اصل آزادی انتخاب قانون حاکم در قراردادهای تجاری، اصلی پذیرفته شده در بسیاری از نظام‌های حقوقی است. در حالی چنین اصلی در روابط حقوقی دولت‌ها با اشخاص خصوصی منع نشده است. در ابتدا از جانب متعاقد دولتی تمایلی برای تعیین قانون حاکم وجود نداشت. زیرا

^۱ بردبار، محسن، صلاحیت در دیوان‌های داوری بین‌المللی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴، چاپ اول. ص ۱۰۵

^۲ بردبار، محسن، منبع پیشین، ص ۱۰۶.

^۳ نصیری مرتضی، حقوق تجارت بین‌المللی، تهران، چاپ چیکان، ۱۳۸۸. ص ۲۱۵

^۴ همان، ص ۲۱۹

از یک سوء «حاکمیت دولت اقتضا دارد که تعهدات وی تابع سیستم حقوقی دیگری قرار نگیرد». از سوی دیگر، همانطور که در گزارش شماره ۲ کمیسیون حقوق بین الملل محدودیت‌های بدیهی می‌نمود و مفروض تلقی می‌شد که طرف خصوصی با ورود به قرار دادی که یک طرف آن دولت است، حاکمیت قانون طرف دولتی را می‌پذیرد.^۱

از جمله در قرار دادهای امتیاز، با وجود اینکه طرفین برای رجوع به داروی توافق داشتند، ولی در مورد قانون حاکم سکوت می‌کردند. در فصل هفدهم امتیاز نامه داری بدون اشاره به قانون حاکم چنین آمده است:

«در صورتی که مابین طرفین متعاهدین منازعه و اختلافی در تأویل و ترجمه این امتیازنامه و کذا لک در باب حقوق و مسئولیت طرفین مشاجره‌ای اتفاق افتد، حل مشکل و مسئله در تهران به دو حکم رجوع خواهد شد، و آن دو حکم به توسط طرفین معین خواهد شد، و نیز آن دو حکم قبل از مبادرت به مرافعه حکم ثالث را معین خواهند کرد. حکم آن دو حکم و یا در صورتی که حکمین مزبور متفق نشوند حکم ثالث قطعی خواهد بود.» قرار داد امتیاز توتون و تنباکو (تالبوت) مورخ ۲۰ مارس ۱۸۹۰ میلادی نیز از این حیث وضعیت مشابهی داشت. در فصل چهاردهم این امتیازنامه آمده بود: «در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه ایران صاحبان امتیاز، آن اختلاف رجوع به حکمیت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت طرفین حکم اختلاف را رجوع به حکمیت قطعی حکمی به تعیین یکی از نمایندگان دولت آمریکا یا آلمان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد» قرار داد امتیاز رویتز مورخ ۱۸۷۲ میلادی در مورد واگذاری امتیاز راه آهن نیز همین وضعیت را داشت.

مدت زمانی طول کشید تا اینکه جنگ و گریز میان دولت‌ها و حقوقدانانی که از مواضع شرکت‌های نفتی و دارنده امتیاز دفاع می‌کردند به نفع شرکت‌های سرمایه‌گذار به ثمر نشست و دولت‌ها را وادار کرد تا به حاکمیت قانون دیگری غیر از قانون خود تن دهند و با قبول اصل آزادی اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم، ماهیت امتیاز نامه‌ها را در ردیف قرار دادها اعطای امتیاز نفت به یک شرکت انگلیسی منعقد شد. طرف خارجی با تجربه‌ای که از قرار داد قبلی به دست آورده بود، دولت ایران را مجبور کرد تا حاکمیت حقوق بین الملل بر قرار داد را بپذیرد. در بند «ه» ماده «۲۲» قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود آمده است: «اصول محاکمات در در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داروی دائمی بین المللی معمول و مجری است... حکم حکمیت مستند بر اصول قضایی مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان داروی دائمی بین المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود...» منظور از دیوان داروی دائمی بین المللی همان دیوان دائمی دادگستری بین المللی است که اکنون دیوان دادگستری بین المللی (ICJ) جانشین آن شده است.^۲

اصل آزادی اراده طرفین برای انتخاب قانون حاکم در بسیاری از قوانین داخلی و اسناد بین المللی پذیرفته شده است. اما آیت مقررات عمدتاً مربوط به قرار دادهای تجاری بین المللی است. از جمله این مقررات می‌توان به ماده ۷ کنوانسیون اروپایی راجع به داروی تجاری بین المللی، ماده ۳۳ قواعد آنستیرال و ماده ۱۷ قواعد اتاق بازرگانی بین المللی اشاره کرد. قوانین داخلی کشورها نیز این اصل را تأیید می‌کند. در بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون روم درباره حقوق قابل اعمال در تعهدات قرار دادی که برای متحدالشکل کردن قواعد حل تعارض به تصویب رسیده، آمده است:

^۱ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ منبع پیشین، ص ۶۱.

^۲بردبار، محسن، منبع پیشین، ص ۱۴۱.

«اما در قرار دادهای سرمایه گذاری بین دولت‌ها و اشخاص خصوصی می‌توان به کنوانسیون حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر استناد کرد. در بند ۱ ماده ۴۲ این کنوانسیون آمده است: «دیوان دعوی را بر طبق مقررات قانونی که مورد تراضی طرفین قرار گرفته است، رسیدگی می‌نماید. در صورتیکه توافقی در این مورد نباشد، بر مبنای قانون کشور متعاقد طرف دعوی (شامل مقررات مربوط به تعارض قوانین آن کشور) و نیز آن دسته از مقررات حقوق بین الملل که قابل اجرا باشد، تصمیم خواهد گرفت».^۱

بند پنجم: قانون پایه

آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم باید در قوانین داخلی کشورهای مربوطه به رسمیت شناخته شود. به عبارت دیگر، توافق طرفین برای تعیین قانون حاکم، زمانی معتبر است که قانون کشور طرفین چنین اجازه‌ای را داده باشد.

بنابراین قانون حاکم بر قرار داد به توافق طرفین و توافق طرفین به قانونی بستگی دارد که از آن به عنوان نظام حقوقی یاد می‌کنند. به عنوان مثال در ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران آمده است: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». بند ۱ ماده ۲۷ قانون داروی تجاری بین المللی مصوب مورخ بیست و ششم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی نیز برای طرفین آزادی اراده طرفین برای تعیین قانون ماهوی را تجویز کرده است.

بررسی قوانین جدید برخی کشورها و همچنین قواعد اسناد و سازمان‌های بین المللی مربوط، آشکار می‌سازد که آزادی و حاکمیت اراده طرفین در بسیاری از سیستم‌های حقوقی، یک قاعده غالب می‌باشد. البته، هیچ سیستم حقوقی این اصل را بدون قید و شرط نپذیرفته است، و در کشورهای مختلف محدودیت‌های مختلفی بر آن وارد شده است. در حقیقت، امروزه «حاکمیت اراده» یک اصل اساسی است و بع عنوان مبنای قواعد تعارض قوانین در تعهدات قرار دادی، با مقداری محدودیت، مناسب‌ترین قاعده در بین همه قواعد دیگر می‌باشد که هم نفع طرفین قرار دادهای بین المللی را در بر دارد و هم می‌تواند لطمه آب به نفع دولت‌های مربوط وارد آورد. بنابراین، آزادی و حاکمیت اراده برای انتخاب قانون حاکم بر ماهیت اختلاف یک قاعده غالب می‌باشد، ولی این قاعده بی قید و شرط نیست. بلکه آزادی اراده محدود به شرایط مقرر شده در نظام حقوقی پایه می‌باشد.^۳

قانون پایه ممکن است با قانون حاکم بر ماهیت دعوی یکی باشد، یا جدا از آن. اما قانون پایه بیش از یکی نمی‌تواند باشد. از باب نمونه، در ماده ۴۶ قرار داد معروف به کنسرسیوم دو رشته از اصول را حاکم بر تفسیر و تعبیر و اجرای قرار داد دانسته بود. اول، اصول مشترک بین ایران و کشورهای عضو کنسرسیوم. دوم، اصول مورد قبول کشورهای متمدن و نیز اصولی که دادگاه‌های بین المللی بر طبق آن عمل کرده‌اند.

گفتار دوم: شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای در قراردادهای تجاری در رویه دیوان داورى اتاق بازرگانی بین

المللی

بند اول: قواعد حاکم

^۱ بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون روم.

^۲ Basic legal order

^۳ بردبار، محسن، منبع پیشین، ص ۱۴۱

ویژگی نظام داوری اتاق از حیث کارکردی - حقوقی، جهانی بودن آن است. نظام داوری اتاق، یک نظام عام الشمول و جهانی است، به این معنی که نظام داوری اتاق طوری طراحی شده که بدون هیچ محدودیت ملی یا منطقه‌ای یا محدودیت موضوعی قابل استفاده و اعمال است. برخی مراکز و سازمان‌های داوری وجود دارند که مخصوص دعاوی داخلی کشور محل تشکیل می‌باشند، یا احیاناً در منطقه خاصی قابل استفاده اند. برخی موسسات و مراکز داوری نیز هستند که به نوع خاصی از دعاوی رسیدگی می‌کنند، مانند مراکز داوری اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری. اما قواعد داوری اتاق در کلیه دعاوی تجاری، صرف نظر از این که موضوع و نوع قرارداد منشا اختلافات چه باشد، و نیز صرف نظر از این که موضوع و ماهیت حقوقی دعوی چه باشد، در همه نقاط جهان قابل اجرا و استفاده است. تنها قیدی که برای استفاده از قواعد داوری اتاق دارد این است که اختلاف یا دعوی مربوط واجد وصف تجاری و بازرگانی باشد. از نظر جغرافیایی نیز گرچه قواعد داوری اتاق اصولاً برای دعاوی بین‌المللی نوشته شده، اما به موجب ماده (۱)۱ قواعد مذکور در دعاوی تجاری داخلی هم به شرط توافق طرفین دعوی قابل استفاده است. به لحاظ همین ویژگی است که قواعد داوری اتاق بدون محدودیت برای هر گونه دعاوی تجاری از هر نوع که باشد، و نیز در هر نقطه‌ای از جهان که محل داوری باشد، قابل استفاده و اجرا است.

چنان که پیشتر اشاره شد، سازمان داوری اتاق هم با این که در پاریس (فرانسه) مستقر است از حیث ساختار و عملکرد وابستگی به کشور فرانسه ندارد و یک تشکیلات بین‌المللی است. اعضای دیوان داوری و نیز دبیرخانه‌ی آن که قریب ۴۱ نفر عضو دارد، از حقوقدانان و اشخاص متعلق به کشورهای مختلف و با نظام‌های حقوقی گوناگون می‌باشند. مسئولان و تصمیم‌گیرندگان اتاق توجه و اصرار دارند که این ترتیب بین‌المللی و جنبه جهانی بودن ساختار دیوان و دبیرخانه آن حفظ شود. به هر حال، عام الشمول و جهانی بودن اتاق از جمله علل مهم اقتدار حرفه‌ای و اعتبار بین‌المللی آن است که همین اعتبار به آرای داوری صادره تحت قواعد اتاق نیز تسری می‌کند و سرانجام اجرای آن‌ها را تسهیل می‌کند.

الف- قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی

در نظر قواعد داوری اتاق، اصحاب دعوی مساوی هستند و قواعد نسبت به طرفین بی طرف است، به طوری که با اجرای قواعد مذکور هیچ یک از خواهان یا خوانده وضعیت ممتاز و بهتری نسبت به طرف دیگر پیدا نمی‌کند. نمونه‌هایی از اجرای بی طرفانه و مساوی قواعد نسبت به طرفین را در چند مورد خاص بهتر می‌توان مشاهده کرد: از حیث نصب داور برای طرف ممتنع، تعیین محل داوری، تعیین زبان داوری، تعیین آیین داوری در مواردی که قواعد ساکت باشد و نیز تعیین قانون ماهوی حاکم در مواردی که طرفین قانون خاصی را تعیین نکرده اند، از حیث معرفی نماینده حقوقی یا وکیل در دعوی، و از حیث مشخصات و تابعیت داوران منتخب طرفین که می‌توانند هر کس را که مایل باشند و از هر کشوری به عنوان داور خود معرفی نمایند، و سرانجام از حیث انتخاب و نصب داور رئیس توسط دیوان داوری که کسی را منصوب می‌کند که تابعیت کشور هیچ یک از طرفین را نداشته باشد. در کلیه این قبیل موارد، که قواعد داوری حکمی را پیشینی کرده هیچ یک از طرفین امتیاز خاصی ندارند و به هر دو به یک چشم می‌نگرد.

مطابق ماده ۸(۴) قواعد، در داوری‌های سه نفره هر یک از طرفین می‌توانند داور مورد نظر خود را معرفی نماید و اگر ظرف مهلت مقرر از معرفی داور امتناع ورزند، اعم از این که خواهان باشد یا خوانده، دیوان داوری به جای او داور را منصوب می‌کند. همچنین است در مورد داور ثالث (رئیس هیات داوری) که اگر طرفین یا داوران ایشان نتوانند در مهلت مقرر به توافق برسند، دیوان داوری بدون این که حق اضافی یا امتیازی

برای هیچ یک از خواهان یا خواننده در نظر بگیرد، شخصی را که البته هم تابعیت با طرفین نخواهد بود، به عنوان داور ثالث و رئیس هیات داوری انتخاب و منصوب می‌کند.

یکی دیگر از مصادیق بی طرفی قواعد نسبت به طرفین را می‌توان در نصب داور در داوری‌های چند طرفه دید. منظور از داوری چند طرفه آن است که یکی از طرفین (یا هر دو آنها) مرکب از چند واحد یا شخص یا شرکت باشند که مجموعاً خواهان یا طرف خواننده را تشکیل می‌دهند. در این قبیل موارد، مطابق ماده ۱۱ قواعد داوری، ابتدا به همه اعضای طرف مربوط (خواهان یا خواننده) فرصتی داده می‌شود که مشترکاً و متفقاً یک نفر را به عنوان داور خود معرفی نمایند. مشکل هنگامی رخ می‌نماید که اجزا و اعضای طرف مربوط نتوانند در انتخاب داور مشترک به توافق برسند، در حالی که طرف مقابل داور خود را انتخاب و معرفی کرده است. در چنین حالتی اگر قرار باشد دیوان به جای آن‌ها یک نفر داور منصوب کند، طرف‌های متعدد عملاً از داشتن داور منتخب و مورد نظر خود در هیات داوری محروم میشوند، در حالی که طرف دیگر این امکان و امتیاز را داشته که داور مورد اعتماد و علاقه خود را به هیات داوری بفرستد، و این موجب عدم تساوی طرفین خواهد بود. به همین لحاظ در بند ۲ ماده ۱۱ قواعد آمده است که اگر طرف متعدد (خواهان یا خواننده) نتوانند داور مشترک خود را انتخاب و معرفی کنند، هر سه نفر اعضای هیات داوری، توسط دیوان داوری اتاق انتخاب و منصوب خواهند شد، در نتیجه طرف مقابل که احیاناً داور خود را معرفی کرده نیز در وضعیت مساوی با طرف دیگر قرار می‌گیرد، زیرا تمام اعضای هیات داوری را خود دیوان منصوب می‌کند.

به هر حال، بی طرفی و تساوی قواعد داوری اتاق نسبت به طرفین داوری، از اصول پایه‌ای داوری و دادرسی صحیح و اجرای قانون است، و از چنان اهمیتی برخوردار است که در صورت نقض آن، رای داوری در معرض ایراد و حتی ابطال قرار می‌گیرد.

ب- قواعد حاکم بر ادله در داوری

هدف نهایی طرفین از مراجعه به داوری آن است که مرجع داوری به اختلافات و دعاوی ایشان پایان دهد و نزاع را به شیوه‌های قطعی حل و فصل کند. برای دستیابی به این هدف، باید رای داوری اولاً قطعی باشد یعنی در معرض تجدیدنظر و استیناف و اعتراض قرار نگیرد، و ثانیاً لازم الاجرا باشد یعنی در صورتی که محکوم علیه به آن تمکین نکند، بتوان آن را به اجرا درآورد. این دو خصوصیت مطلوب همان است که «قطعی و لازم الاجرا بودن رای» نامیده می‌شود و از جمله عوامل مهم رونق و اعتبار داوری است، زیرا اگر طرفین مطمئن نباشند که رای صادره قطعی و قابل اجرا است، انگیزه‌های برای مراجعه به داوری ندارند.

در نظام رسیدگی قضایی در دادگاه که دادرسی چند مرحله‌ای است، معمولاً رای بدوی قطعی نیست (مگر در دعاوی که قانون مقرر کرده باشد رای قطعی است) و قابل استیناف و اعتراض است و حتی قابل فرجام خواهی نیز هست. اما در داوری‌ها که قصد طرفین رسیدگی سریعتر و عاری از تشریفات طولانی قضایی است، رای داوری قطعی و لازم الاجرا است. اما بحث در این است که چگونه می‌توان این اوصاف را برای رای داوری فراهم کرد. در رسیدگی قضایی، منشا قطعی و لازم الاجرا بودن رای دادگاه، قانون است اما در داوری‌ها منشا آن توافق طرفین در مراجعه به داوری است. به این معنی که گاه طرفین بالصرح در موافقتنامه داوری قید می‌کنند که رای داوری قطعی و لازم الاجرا است که در این صورت تردیدی باقی نمی‌ماند که رای قطعی است و نسبت به طرفین لازم الاجرا خواهد بود. مشکل آنجاست که در موافقتنامه داوری چنین شرطی وجود نداشته باشد. اما در این مورد نیز می‌توان گفت که توافق و تراضی اولیه اصحاب دعوی که به داوری و تصمیم شخص ثالث (داور) مراجعه نمایند،

به طور ضمنی حاوی این توافق و تعهد اضافی نیز هست که تصمیم شخص ثالث (رای داوری) را محترم بشمرند و اجرا نمایند. در داوری‌های اتاق نیز موضوع این گونه حل می‌شود که در ماده ۶(28) قواعد داوری اتاق مقرر شده که رای داوری قطعی و لازم الاجرا است. در واقع طرفین با مراجعه به قواعد اتاق متعهد می‌شوند که رای را بدون تاخیر اجرا نمایند و چنین تلقی می‌شود که حق اعتراض خود به رای را نیز ساقط کرده اند، البته تا جایی که این اسقاط معتبر و مجاز باشد. افزون بر مفاد این ماده، سازمان داوری اتاق هم با نظارت‌های خود بر جریان داوری، تا حدود زیادی مانع از این می‌شود که رای صادره با ایرادات و اشکالاتی مواجه گردد که آن را در معرض اعتراض و ابطال قرار دهد و بدین سان ضریب قطعی بودن رای و اجرای آن را بالا می‌برد. افزون بر ماده ۳۵ قواعد داوری اتاق که می‌گوید دیوان داوری و مرجع داوری مربوط همه مساعی خود را برای این که رای صادره قابل اجرا باشد، به کار می‌گیرند، مطابق ماده ۶ قواعد داخلی، دیوان داوری در مقطع بررسی پیشنویس رای داوری حتی المقدور الزامات امری ناشی از قوانین محل داوری را ملحوظ داشته و اگر اشکال و ایرادی از این حیث مشاهده نمود به رفع آن بر می‌آید، زیرا اگر رای داوری مقررات آمره کشور محل صدور را نقض کند، با مشکل بزرگی در مرحله اجرا مواجه می‌شود. به هر حال، نه تنها مطابق قواعد داوری اتاق که طرفین آن را پذیرفته اند، آرای داوری که تحت قواعد آن صادر می‌شود لازم الاجرا است، بلکه سیستم نظارت سازمان داوری اتاق هم طوری است که تامین‌های فراوانی را برای اجرای رای داوری فراهم می‌کند.

در مورد لازم الاجرا بودن رای باید توجه داشت که لازم الاجرا بودن غیر از مکانیسم اجرای رای است و موکول به قوانین داخلی کشور محل اجرا است. به عبارت دیگر، در صورتی که محکوم علیه، رای داوری لازم الاجرا را رعایت و اجرا نکند، باید به دادگاه محل اقامت او مراجعه و تقاضای شناسایی و اجرای حکم به عمل آورد. البته اجرای آرای داوری که تحت قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی صادر شده، چون اصولاً قطعی و لازم الاجرا است و نیز چون با نظارت یک سازمان داوری معتبر صادر شده و دیوان داوری اتاق هم آن را تایید کرده، محاکم با اطمینان بیشتری به آن‌ها می‌نگرند و آسانتر و سریعتر شناسایی می‌کنند و دستور اجرا (اجراییه) صادر می‌کنند.

بند دوم: اعتبار شروط نامتقارن حل و فصل اختلاف در قراردادهای تجاری بین‌المللی

در شروط نامتقارن حل و فصل اختلاف، به یکی از طرفین قرارداد حق بیشتری در اقامه دعوی و انتخاب مرجع رسیدگی اعطا می‌شود. بدین معنا که یکی از طرفین قرارداد از آزادی عمل بیشتری در انتخاب مرجع رسیدگی برخوردار است. وی میتواند در صورت بروز اختلاف میان مراجع مختلفی دست به انتخاب زده و گزینه‌ای را که به بهترین نحو، ادعاهای او را اثبات و حقوق او را مسجل می‌کند، انتخاب نماید. طرف دیگر قرارداد اما محدود و ملزم به مرجع خاص تعیین شده در قرارداد بوده و حق انتخابی در این خصوص ندارد.^۱ با توجه به نحوه ترکیب هر یک از روش‌های دادگاه و داوری، شروط نامتقارن، صورتهای مختلفی به خود می‌گیرند. این شروط می‌توانند صرفاً ترکیبی از حق انتخاب میان دادگاه‌های متفاوت باشند یا آنکه با ترکیب دادگاه و داوری امتیازات ویژه‌ای را برای ذینفع خود فراهم آورند.

یکی از مهمترین مباحث مربوط به شروط نامتقارن، بحث اعتبار و صحت آن‌ها می‌باشد. طرفین یک قرارداد غالباً به آن پایبند بوده و طوعاً مفاد آن را اجرا مینمایند اما اگر ادعایی مبنی بر بطلان و بی اعتباری شرط نامتقارن وجود داشته باشد، این ادعا از سوی غیر ذینفع مطرح می‌شود. با

^۱. Draguiev, Deyan, Unilateral Jurisdiction Clauses: The case for Invalidity, Severability or Enforceability, Journal of International Arbitration 31, no. 1 (2014): 19-46, 2014 Kluwer Law International BV, The Netherlands, p.20.

توجه به اهمیت روزافزون داوری، در برخی از مباحث آتی، بر روی شروط داوری تاکید خاصی شده است اما باید توجه داشت که حقوقدانان و دکتربین، اعتبار این شروط را فارغ از انواع مختلف آن، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند.

غیرذینفع، دعوی بطلان شرط نامتقارن را در مراجع مختلفی ممکن است مطرح نماید. اگر غیرذینفع، خود شروع کننده دعوی باشد، بدون توجه به مراجع پیشینی شده در قرارداد، به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوایش را بر طبق قواعد حقوق بین الملل خصوصی دارد، مراجعه می‌کند. از سوی دیگر یک شرط نامتقارن داوری را در نظر بگیرید که در آن یک پروسه داوری علیه غیرذینفع شروع شده است. غیرذینفع ابتدا در دیوان داوری و سپس در دادگاه مقرر نسبت به شرط حلوفصل اختلاف، اعتراض خواهد کرد و چنانچه در این مراحل نتواند به خواست خود دست یابد، در نهایت به دادگاه محل شناسایی و اجرای رای متوسل خواهد شد.

الف) موافقان شروط نامتقارن حل و فصل اختلاف

اصل آزادی قراردادی^۱ مهمترین مبنایی است که طرفداران شروط نامتقارن، استدلالات خود را بر مبنای آن پایه گذاری می‌کنند. اصل آزادی قراردادی در بردارنده سه فاکتور بسیار مهم است: اشخاص در انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد آزاد هستند، آنها می‌توانند با هر کسی که می‌خواهند، قرارداد منعقد کنند و بر شروط مورد نظر خود توافق نمایند. در این راستا چنین فرض می‌شود که طرفین، خود می‌توانند مصلحت خویش را به بهترین نحو تشخیص داده و از آن محافظت کنند. طرفین یک قرارداد، می‌توانند در مذاکراتی که صورت می‌گیرد منافع خود را به بهترین نحو تأمین (نمایند و نیازی به دخالت دیگران) و به خصوص دولت در این زمینه نمی‌باشد. به همین دلیل قواعد آمره حاکم بر قرارداد باید تا حد امکان کاهش یابد.^۲

طرفداران صحت شروط چند مرحله‌ای جانبه با تکیه بر این اصل پذیرفته شده و بنیادین در تمامی نظام‌های حقوقی بیان می‌دارند که توافق طرفین بر اینکه یکی از آنها حقوق بیشتری در انتخاب مرجع رسیدگی داشته باشد، برای اعتبار آن شرط کافی است. البته بحث و جدال فراوانی بر سر گستره این آزادی و استثنائات وارد بر آن وجود دارد اما اصل آزادی اراده، چنان در نظام حقوقی کشورها ریشه دوانده و قیود وارد بر آن چنان محدود است که هیچ شکلی را در خصوص معتبر بودن شروط نامتقارن حلوفصل اختلاف باقی نمی‌گذارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

طرفین قرارداد می‌توانند برای حل اختلافات خود بر شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای توافق کنند. این شروط معمولاً شامل مذاکره، سازش، میانجی‌گری یا کارشناسی است. در شروط حل اختلاف، مراحل مختلف شیوه‌های جایگزین با داوری ترکیب می‌شوند. اگرچه داوری روشی جایگزین برای حل اختلاف از طریق دادگاه است، اما به معنای خاص کلمه جزء شیوه‌های جایگزین حل اختلاف محسوب نمی‌شود. اصطلاح "روش‌های جایگزین حل اختلاف" به روش‌های دوستانه حل اختلاف اطلاق می‌گردد. هدف طرفین از درج این شروط، تلاش برای حل اختلافات به‌طور دوستانه پیش از آغاز مرحله داوری است تا ضمن پرهیز از ورود به فرآیند پرهزینه و زمان‌بر داوری، روابط کاری و تجاری خود را حفظ،

^۱. Freedom of Contract

^۲. Catherine Walsh, The Role of Party Autonomy in Determining the Third-Party Effects of Assignments: Of "Secret Laws" and "Secret Liens", 81 Law and Contemporary Problems, 181-202, 2018. P. 182

تقویت، و از بروز مشکلات در این روابط جلوگیری کنند. میانجی‌گری روشی سریع‌تر و ارزان‌تر نسبت به سایر روش‌ها است و باعث حفظ روابط تجاری طرفین می‌شود. در بسیاری از پرونده‌های بین‌المللی، به‌ویژه دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، علاوه بر مسائل حقوقی، ملاحظات سیاسی نیز مطرح است. در این گونه دعاوی، استفاده از روش سازش مطلوب‌تر است، زیرا اقامه دعوا علیه یک کشور یا دولت، با هر مبنایی که باشد، به‌عنوان عملی غیردوستانه در روابط بین کشورها تلقی می‌گردد.

شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای چند مرحله نظیر مذاکره، میانجیگری، و داوری یا دادرسی قضایی را جهت حل اختلافات مقرر می‌دارند. چنانچه در زمینه قصد طرفین مبنی بر التزام به مراحل مختلف این شروط یقین وجود داشته باشد، مراجع ذی صلاح طرفین را اجبار به رعایت ترتیب مورد توافق می‌کنند. در زمینه این اجبار مسائلی شایان توجه است.

مزایایی همچون ارزانی، سرعت، فقدان ریسک، اثر فیلترینگ و حفظ فضای مسالمت در روابط میان طرفین باعث افزایش محبوبیت شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای در قراردادها گردیده است. در صورتی که قصد طرفین اجرای تمامی مراحل مقرر در این شروط پیش از رجوع به داوری یا دادگاه باشد، بنا به اصل آزادی اراده و قطع نظر از مفید بودن، دلیلی برای نامعتبر شمردن آن وجود ندارد. اصولاً در اغلب موارد شرط نمی‌تواند برای هر دو طرف مضر یا خالی از فایده باشد. توافق بر حل مناقشات از طریق غیر از رجوع به دادگاه‌ها مخالفتی با نظم عمومی جوامع ندارد، همانگونه که امروزه کسی تردیدی در صحت و نفوذ شرط حل مناقشات از طریق داوری - موجد صلاحیت برای داور و سالب صلاحیت مراجع قضایی است - ندارد. به ویژه که دیگر مراحل به جهت عدم تحمیل تصمیمی لازم الاجرا به طرفین رجوع به مراجع قضایی را صرفاً مشروط به طی تشریفات پی از آن می‌کنند، نه اینکه به مانند شرط داوری، آن را اساساً منع نمایند.

سیاق و منطوق این شروط باید به نحوی باشد که قصد طرفین مبنی بر لازم‌الرعایه بودن تمامی مراحل مندرج در آن‌ها را به خوبی نشان دهد. شروط مبهم و مردد قابل التزام نیستند. درج معیارهای آغاز و پایان هر، «می‌بایست» یا «باید» استفاده از الفاظ موجد تکلیف مانند یک از مراحل، ترسیم دقیق و قطعی هر کدام از مراحل در هنگام تنظیم این شروط و داشتن حسن نیت در مرحله اجرای آن‌ها تضمین‌کننده قابلیت التزام آن‌ها هستند. مراجع قضایی و داوری نیز در صورت وجود شرایط لازم و احراز قصد طرفین مبنی بر لزوم اجرای همه مراحل پی از رجوع به دادگاه یا داوری، تردیدی در التزام طرفین به متابعت از توافق خویش، به خود راه نمی‌دهند.

اعتبار شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای ارتباط تنگاتنگی با قصد طرفین قرارداد دارد. در فرضی که شرط حل اختلاف مبهم و نامعین است، مراحل حل اختلاف برای طرفین به دلیل وجود ابهام لازم‌الاتباع نیست. ولی در صورتی که نحوه بیان شروط به اندازه کافی روشن باشد، طرفین قصد دارند تا داوری به عنوان آخرین روش حل اختلاف برای آن‌ها باشد. با توجه به اینکه نظر میانجیگر یا سازشگر برای طرفین الزام‌آور نیست، با در نظر گرفتن همین ویژگی، در صورتیکه شرایط خاصی برای هر یک از مراحل به تفکیک و به روشنی مقرر شده باشد، قصد طرفین بیانگر این موضوع است که مراحل شروط حل اختلاف باید رعایت شود و داور به آن‌ها اثر حقوقی ببخشد. این شروط حل اختلاف پیش داوری، به عنوان شرط قراردادی و مطابق اصل لزوم قراردادها برای طرفین الزام‌الاتباع بوده و گرایش رویه قضایی برای لازم‌الاجرا شناختن این شروط بیشتر شده است و این مراحل را بیشتر بر مبنای قصد طرفین تفسیر می‌نمایند.

در نمونه آرای داوری استدلال شده است که قصور در رعایت شروط حل اختلاف و ثبت درخواست زودهنگام داوری سبب بی اعتباری رأی داوری می‌شود. بند ۵ از ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین المللی مقرر نموده «رأی داوری در صورتیکه داور خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات ارجاع شده به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات داور بوده، قابل ابطال است».

در پژوهش حاضر تمرکز بر عدم رعایت شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای با تکیه بر پرونده‌های حقوقی و انواع ضمانت اجراهای نقض این شروط است.

شروط حل اختلاف چندمرحله‌ای قبل از داوری، اعتبار حقوقی داشته و در هر حال برای طرفین الزام آور هستند و ضرورت رعایت آنها، در صورت استفاده از الفاظ الزام آور و تعیین دقیق ابعاد هر مرحله، با هیچ تردیدی مواجه نیست. به هر روی، اراده طرفین باید محترم شمرده شود. در مورد ضمانت اجرای شروط یادشده، با تحلیل‌های ارائه شده درباره عدم رعایت شروط حل اختلاف، رویکرد استماع پذیری در مقابل صلاحیتی بودن موضوع ارجحیت دارد. اعتقاد به صلاحیتی بودن مسئله رویکردی محکم و خشک است و سبب می‌شود تا قصد و اراده طرفین مورد خدشه قرار گیرد. شروط نامتقارن حل و فصل اختلاف از جمله روش‌های حل و فصل اختلاف هستند که در آن به یکی از طرفین، حق بیشتری جهت اقامه دعوی داده می‌شود. شروط نامتقارن، ترکیبی هستند و بسته به اینکه هر یک از روش‌های دادگاه و داوری، به چه نحو ترکیب شده باشند، انواع مختلفی به خود می‌گیرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به شروط داوری و شروط قضائی اشاره کرد. ترکیب مزبور در راستای تجمیع منافع دادگاه و داوری صورت می‌گیرد و به همین دلیل نیز یکی از پرکاربردترین موارد استفاده از شروط نامتقارن در قراردادهای تامین مالی است تا وام دهندگان بتوانند به مناسب‌ترین شکل ممکن، مطالبات خود را وصول نمایند.

فهرست منابع

- ادیب، محمد. (۱۳۹۱). وضعیت حقوقی و آثار قراردادهای داوری منعقد بین دولت ایران و شرکت‌های خارجی. رسانه.
- ارفع‌نیا، بهشید. (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: نشر بهتاب. چاپ اول.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۸). تعارض قوانین در داوری‌های تجاری بین‌المللی. مجله شماره ۱۱ دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- بردبار، محسن. (۱۳۸۴). صلاحیت در دیوان‌های داوری بین‌المللی. تهران: انتشارات ققنوس. چاپ اول.
- تأثیر شروط چندگزینه‌ای و اسقاط حق طرح ادعا بر صلاحیت مراجع حل اختلاف معاهده‌ای در دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی. (۱۳۹۴). فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، (۴۹)، ۳۷-۵۶.
- جعفری ندوشن، شهاب. (۱۳۹۲). رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی و روش‌های مقابله با آن. مجله حقوقی دادگستری، ۷۷(۸۴)، ۶۸-۴۱.
- جنیدی، لعیا. (۱۳۷۹). قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی. تهران: نشر دادگستر. چاپ اول.
- جنیدی، لعیا. (۱۳۹۲). اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی. تهران: انتشارات شهر دانش. چاپ سوم.
- حاتمی، علی، و کریمیان، علی. (۱۳۹۴). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری. تهران: انتشارات تیسرا. چاپ دوم.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه (جلد نهم). تهران: دانشگاه تهران.

- سروی مقدم، مصطفی. (۱۳۸۹). مقایسه جایگاه دادگاه و داوری در حل اختلافات تجاری بین‌المللی. آموزه‌های حقوقی، (۱۳).
- سکوتی، نیما، و حسین زاده، جواد. (۱۳۹۶). ماهیت، ویژگی‌ها، و صلاحیت داوری در قانون پیش‌فروش ساختمان. حقوق خصوصی، (۲)۱۴.
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۴). آیین دادرسی مدنی (جلد اول). تهران: دارا.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۶). قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی خصوصی. مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۹-۲۰، ۱۷۴.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). داوری تجاری بین‌المللی. تهران: سمت.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۷۷). سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۴۰)، ۳۹-۵.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۹۸). حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی. تهران: نشر میزان.
- عابدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). صلاحیت قضایی و صلاحیت داوری: تحلیلی بر یک رأی صادره در مسئله صلاحیت. مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، (۳۵).
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها (جلد چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان. چاپ پنجم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). قواعد عمومی قراردادها (جلد دوم). تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ پنجم.
- الماسی نجادعلی. (۱۳۶۸). تعارض قوانین. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول.
- مافی، همایون، و پارسا فر، جواد. (۱۳۹۰). دخالت دادگاه‌ها در رسیدگی‌های داوری در حقوق ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی.
- مکرمی، محمدعلی. (۱۳۸۰). شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی در حقوق ایران. مجله شماره ۱۱۳، همایش حقوقی مجتمع آموزش عالی قم، ۳۴.
- موحد، محمدعلی. (۱۳۸۹). درس‌هایی از داوری‌های نفتی (جلد اول). تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- یوسف نوبخت. (۱۳۹۳). نگاهی به آیین دادرسی مدنی. تهران: رادواندیش.
- یوسف‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۳). آیین داوری. تهران: شرکت سهامی انتشار.